ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
پنج‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۸ • شماره ۱۳۰۰

## حدیث روز

امام هادی(ع): برای نعمت‌ها همسایه خوبی باشید و با سپاس‌گزاری و قدردانی از آن‌ها، بر نعمت‌های خویش بیفزایید.

**اعلام‌الدین**

ذکر روز پنج شنبه

**صد مرتبه «لااله‌الا... الملک الحق‌المبین»**

ذکر روز جمعه

**صد مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد»**

## در محضر بزرگان

### رضایت خدا در رضایت والدین

مرحوم آیت ا... مجتهدی تهرانی فرمودند:

اگر می‌خواهید در زندگی موفق باشید و از آن لذت ببرید، به پدر و مادرتان نیکی کنید، خصوصا به مادر، دست او را ببوسید، دل او را به دست آورید. و بدانید اگر آن‌ها از تو راضی باشند، خدا هم از تو راضی خواهد بود و اگر خدای نکرده آن‌ها را از خود برنجانی خداوند را از خود ناخشنود کرده‌ای.

**خبرگزاری فارس**

## بریده کتاب

### زبان عکس‌ها

ما عکس‌ها را بیش از آن که ببینیم، می‌شنویم. عکس‌ها با زبان‌های بی‌نهایت متفاوتی شروع به حرف زدن می‌کنند. از خودشان می‌گویند، از مکان‌شان، از زمان‌شان، از ارتباط بین آدم‌ها و در نهایت از ما. اما همه آن‌ها خوب حرف نمی‌زنند، همه آن‌ها صدای خوبی ندارند، همه آن‌ها جذاب نیستند. کم‌پیش می‌آید که عکسی ما را کنار خودش نگه دارد، مختصر باشد و کامل.

**«لذتی که حرفش بود»**
**اثر پیمان هوشمندزاده**

## شعر طنز

### در حاشیه خبر هجوم ملخ به کشور

سحر بهجو

در پی نان و پناهی آمدی
حال و روز رو به راهی آمدی
ها بفرما خوب شد؟ این هم سراب
ای ملخ جان اشتباهی آمدی!

## قرار مدار

## اندکی صبر

### تقدیم به امام زمان(عج)

علی گیاهی

یک عمر شمیم یار داریم از صبح
سرسبزی نوبهار داریم از صبح
دلتنگی ما از این شب تنهایی است
ما یک سحر انتظار داریم از صبح

## با خانمان

### نگهداری از حیوان با اعمال شاقه

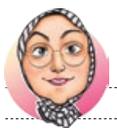

زهرا فرنیا | طنزپرداز

از بچگیم هرروز به پدر و مادرم می‌گفتم: «برام یه حیوون بخرین. تورو خدا. توی اتاق خودم نگهش می‌دارم. گربه، خرگوش، جوجه، هرچی» ولی می‌گفتن نگهداریش سخته و نمیشه. دیگه بزرگ که شدم دیدم حوصله ندارم. خودم رو نمی‌تونم جمع و جور کنم. حوصله یه حیوون دیگه رو که اصلا ندارم. کاملا با این قضیه کنار اومده بودم که به رغم تمام کمپین‌ها، دم سال تحویلی بابام با دو عدد ماهی زبرای قرمز یک سانتی وارد خونه شد. حالا ما هیچ سالی ماهی نمی‌خریما! امسال که گفتن زبرا نخرید، ما خریدیم، یه جفت هم خریدیم. چرا؟ چون نصف قیمت می‌داد و به نظر بابام حیف اومد.

این که من از بچگی حیوون دوست داشتم، وظیفه نگهداری‌شون رو انداخت روی دوشم که: «حیوون می‌خواستی؟ حالا نگهش دار!» بابا اون حیوونا یه محبتی، یه احساسی، یه چیزی دارن. ماهی چی؟ حتی زل نمی‌زنه توی چشم آدم. به باله‌ش هم نیست که ما وجود داریم. با همین حال، همین حیوون بی‌احساس، یه روز می‌میره و حال آدم رو خراب می‌کنه.

مال ما هم مرد. از نظر خونواده این که توی یه وجب جا زندگی می‌کرد و محیط زندگیش مناسب نبود، دلیل کافی برای مردنش محسوب نمی‌شد. تقصیر من بوده حتما. پدر من، مادر من، بنده توی سنی‌ام که حیوون خوشحالم نمی‌کنه. من به کسی نیاز دارم که صحبت کنه! متوجهین؟ البته تعجبی نداره ببینم هفته بعد با یه کاسکو یا مرغ مینا وارد خونه می‌شین.

## مناسبتی

### ۱۰ راز زندگی دانشمند ژولیده

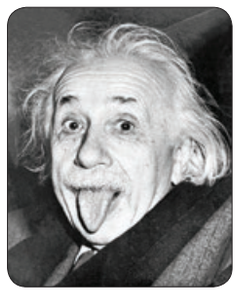

آلبرت اینشتین، فیزیکدان آلمانی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان جهان و بیشتر با نظریه نسبیت شناخته می‌شود. این روزها پس از ثبت اولین عکس از سیاهچاله، نامش در محافل علمی بیش از پیش به گوش می‌خورد. امروز به مناسبت سالروز درگذشتش چند نکته خواندنی از زندگی‌اش را می‌خوانیم:

۱- زمانی که مادر آلبرت، او را به دنیا آورد متوجه شد سر اینشتین بسیار بزرگ است. اعضای خانواده تصور می‌کردند او ناقص به دنیا آمده، اما پزشک آن‌ها را آرام کرد و گفت طبیعی است!

۲- می‌گویند اینشتین تا ۹ سالگی سخن نمی‌گفت و والدینش نگران بودند. تا این که یک شب هنگام شام گفت: «این سوپ خیلی داغ است» پدر و مادرش پرسیدند چرا تا کنون یک کلمه حرف نزده است که پاسخ داد: «برای این که تا حالا همه چیز درست بوده»!

۳- شیفتگی اینشتین به علم با قطب‌نمایی شروع شد که وقتی در پنج سالگی بیمار شده بود، پدرش به او هدیه داد. آلبرت در آن سن به شدت درگیر کارکرد آن شده بود.

۴- اینشتین در ۱۷ سالگی برای ورود به مدرسه پلی تکنیک فدرال سوئیس اقدام کرد. سوال‌های ریاضی و علوم را با موفقیت پاسخ داد اما در بقیه درس‌ها موفق نشد و در امتحان رد شد.

۵- قایقرانی و نواختن ویولن سرگرمی‌های مهم زندگی اینشتین بود. هرگاه وقت داشت سوار قایق می‌شد یا ساز می‌زد و به استراحت و تفکر می‌پرداخت. جالب این که هرگز شنا کردن یاد نگرفت!

۶- او بسیار ژولیده بود. علاوه بر این که موهایش را شانه نمی‌کرد و دایم پیپ می‌کشید، هیچ‌گاه جوراب نمی‌پوشید، چون اعتقاد داشت جوراب سوراخ می‌شود و چرا باید هم جوراب پوشید و هم کفش؟!

۷- اینشتین هرگز مستقیما در پروژه ساخت اولین بمب اتمی در جنگ جهانی دوم شرکت نکرد. می‌گویند وقتی برای اولین بار باخبر شد آمریکا بمب اتمی روی هیروشیما انداخته است، گفت: «وای بر من!»

۸- اینشتین چند اختراع هم دارد، مانند یخچال و پمپ و یک پیراهن! پیراهن شامل دو ردیف دکمه بود که اگر شخص بزرگ یا چاق می‌شد، می‌توانست از دکمه‌های ردیف دوم استفاده کند و لازم نبود لباس نو بخرد!

۹- اینشتین یک دختر و دو پسر داشت. خبری از دخترش «لیسرل» نیست، ولی پسر دومش «ادوارد» (ته ته) یک بیمار روانی بود و ۱۰ سال پس از پدرش فوت کرد. «هنس آلبرت» پسر بزرگش که رابطه خوبی با پدر نداشت یک مهندس مکانیک شد. فرزند هنس، «برنارد سزار اینشتین» نیز یک فیزیکدان موفق بود.

۱۰- پس از مرگ اینشتین، جراح بیمارستان مغز و چشم‌های او را برای پژوهش از بدنش بیرون آورد، مغز را به ۲۴۰ قطعه تقسیم کرد و برای دانشمندان جهان فرستاد. در سال ۱۹۹۸ مغزش به بیمارستان محل کالبدشکافی برگردانده شد اما چشم‌هایش در مالکیت یک چشم‌پزشک ماند.

**منبع: یک پزشک، بیگ بنگ**

## پرونده‌های مجهول (پنج‌شنبه‌ها)

### هتل ارواح سرگردان

فاطمه قاسمی | مترجم

«هتل استنلی»، هتلی بزرگ و مجهز با ۱۴۲ اتاق است که در ایالت کلرادو آمریکا و در نزدیکی کوهستان راکی واقع شده است. این هتل که مانند یک گذرگاه رمانتیک به نظر می‌رسید، در سال ۱۹۰۹ توسط معماری به نام «فریلن اسکار استنلی» طراحی و افتتاح شد. گفته می‌شود روح استنلی و همسرش فلورا همچنان در این هتل باقی مانده است و هر شب نوای موسیقی پیانوی قدیمی فلورا در راهروی هتل می‌پیچد. بعضی دیگر از مسافران صدای پاهای چند بچه را از راه‌پله‌های بخشی که قبلا برای مراقبت از کودکان استفاده می‌شد، شنیده‌اند. برخی ادعا کرده‌اند در عکس‌هایی که به طور تصادفی درون هتل گرفته شده، چهره استنلی نمایان شده است. در سال ۱۹۱۱ یک سرایدار شمعی را در اتاق شماره ۲۱۷ که گاز در آن نشت کرده بود، روشن کرد و موجب انفجاری

شد که بخشی از هتل را نابود کرد. مهمانان ادعا می‌کنند که روح آن سرایدار در هنگامی که خوابند، چمدان‌هایشان را باز می‌کند و در اطراف تخت‌شان تمیزکاری انجام می‌دهد.

«استیون کینگ» نویسنده مشهور آمریکایی که آثار ادبی بسیاری در گونه‌های وحشت و خیال‌پردازی داشته، در سال ۱۹۷۳ مهمان این هتل بوده و در اتاق شماره ۲۱۷ این هتل اقامت داشته است. سرسرا و اتاق‌های قدیمی این هتل الهام‌بخش او برای نوشتن داستان «درخشش» می‌شود. کینگ و همسرش در کمال ناباوری در حالی که هنوز اقامت آن‌ها به یک روز هم نرسیده بود، فهمیدند که تنها مسافران داخل این هتل هستند و حتی کارکنان هتل هم در حال آماده‌سازی برای تعطیلی هتل در فصل زمستان و رفتن به مرخصی بودند. کینگ حس و حالش را این گونه توصیف می‌کند که فضای هتل، راهروهای طولانی و خلوت هتل که انگار بی‌انتها شده بودند، او را در خلسه فکری برده بودند. موسیقی در فضای خالی رستوران هتل که صندلی‌ها روی میزها به صورت برعکس چیده شده بود، طنینی بیش از همیشه داشت.

پس از اکران این فیلم و محبوب شدن آن، هتل استنلی بار دیگر مطرح شد. در واقع مهمانان این هتل به این منظور به این هتل می‌آیند تا اتفاقی فراتر از دنیای روزمره و عادی را تجربه کنند. در همین زمینه از دیگر امکانات هتل استنلی این است که در آن تورهای گردشگری با موضوع محوریت فعالیت‌های ماورائی و ترسناک برگزار می‌شود.

منبع: strangerdimensions

## دنیا به روایت تصویر

**بارکرافت** | طراحی لباس سنتی چین با گل در مقیاسی وسیع

**شاتراستاک** | پناه گرفتن زرافه نوزاد پشت پاهای والدینش، ایالات متحده

## تاپخند

- الان یه حرکت استثنایی زدم و آب رو به جای این که سر بکشم، ریختم تو لیوان خوردم. خانواده‌ام ایستاده برام دست زدن!
- دیگه کسی روش میشه بپرسه علم بهتر است یا ثروت؟!
- اون قدر کار دارم که درخواست افزایش زمان شبانه‌روز به ۴۸ ساعت رو دارم!
- ۷ صبح زنگ می‌زنین می‌پرسین چه خبر؟ داداش خودخبرها هم هنوز خوابن، وایسا بیدار شدن زنگ می‌زنم می‌گم بهت!
- مهم‌تر از رنگ چای اونیه که چای رو واسه‌ت میاره، فقط اونی که دلت می‌خواد باشه، اصلا کوفت بیاره!
- هر ایرانی یه ته‌صدایی داره اما برای بعضی‌ها انقدر دیگه تهه که به نفع همه‌ست کلا درش نیاره!

## دور دنیا

### رفتگر چینی، قهرمان این کشور شد

**آدیتی سنترال**- رفتگر ۵۸ ساله چینی سال‌هاست با حقوق ماهیانه ۳۰۰ دلار که پایین‌ترین سطح درآمد در این کشور است، خیابان‌های شهر را تمیز می‌کند و زندگی بسیار فقیرانه‌ای را با خانواده‌اش می‌گذراند. او ۳۰ سال است که هیچ لباس نویی نخریده و هر روز سوپ نودل می‌خورد اما تا کنون ۲۷ هزار دلار به کودکان فقیر اهدا کرده است. انتشار خبر مبلغ قابل توجهی که او به کودکان داده است باعث شد که این فرد به قهرمان ملی این کشور تبدیل شود.

### سازندگان «استون هنج» شناسایی شدند

**اسکای نیوز**- دانشمندان با بررسی DNA بقایای افرادی که حدود ۴ تا ۵ هزار سال پیش در «استون هنج» زندگی کرده بودند، به این نتیجه رسیدند مهاجرانی که حدود ۶ هزار سال پیش با عبور از دریای مدیترانه از شرق به غرب وارد انگلستان شدند، این بنای پر رمز و راز را ساخته‌اند. این مهاجرت در واقع بخشی از مهاجرت بزرگ جمعیت از آسیای صغیر بود که ۸ هزار سال پیش شروع شد و در نتیجه آن کشاورزی در سراسر اروپا توسعه یافت. «استون هنج»، واقع در «ویلتشر»، حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده است. بزرگ‌ترین سنگ‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ تن وزن دارند. هدف اصلی ساخت این مجموعه هنوز مبهم است، هرچند فرض بر این است که برای برگزاری مراسم آیینی و مشاهدات نجومی از آن استفاده می‌شد.

### سخت‌ترین کنکور دنیا

**بیزینس اینسایدر**- «گائوکائو» آزمون ورودی ملی دانشگاه چین با مدت زمان ۹ ساعت و در دو روز، سخت‌ترین و طولانی‌ترین کنکور دنیاست که هر سال در سرتاسر چین و با شرکت بیش از ۹ میلیون دانش آموز برگزار می‌شود. گفته می‌شود تا به حال هیچ کس موفق به کسب نمره کامل در آن نشده است. بعد از شروع آزمون، جمعیت زیادی از پدر و مادرها در بیرون از سالن برگزاری برای موفقیت فرزندان خود که ۱۲ سال از عمرشان را برای آمادگی در این امتحان تلاش کرده‌اند، دست به دعا برمی‌دارند. در مدت زمان برگزاری گائوکائو، پلیس آرامش را در شهرها و حوزه‌های امتحانی برقرار می‌کند.

## تفأل

**افسوس که شد دلبر و در دیده گریان**
**تحریر خیال خط او نقش بر آب است**
**بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود**
**زین سیل دمادم که در این منزل خواب است**

## کله چغوکی

### آق کمال و ردست آشپز می‌شود

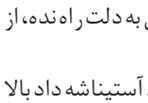

آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

تازه پریروز نوبت ما شده بود که به قول معروف جلوس بذارِم. یعنی همو که اعلام مکنن ما امروز خانه‌مان نشستِم و شما تشریف بیرن عید دیدنی. البته به ترتیب سن‌مان سه تا جلوس داشتِم، یکی بری قومای خودمان آخر نوروز، یکی چند روز بعدش بری قومای عیال و ای یکی آخر فروردین هم بری دوستامان بود. باز خوب بود، پارسال نزدیکای خرداد نوبت جلوس عید ما رسید! طبق معمول هر سال آخر شب مسود رفیقُم و عیالش معصوم‌خانم آمدن و وقتی گفتِم شام تشریف داشته باشِن معصوم‌خانم گفت نِه و مسود هم گفت حالا که اصرار مکنن چشم! خدایش چی از ای بهتر که آدم سفره‌اش وا باشه همیشه، حتی تو ای شرایط با کوکو و اشکنه و نون پنیر.

بری که عیال خسته بود گفتُم شام با ما مردا و دست مسود ره گرفتُم بردُم آشپزخانه. حالا خودُم در حد املت ره که بلدُم ولی مسود پیله کرد بیا غذای خارجی درست کنِم! گفتُم بابات خوب، ننه‌ات خوب، حالا امشب بذار همو شله کوفته همیشگی ره درست کنِم بره رد کارش. گفت: «نِه! بسپرش به مو، تو اینیستا یَک پیجی ره فولو مکنُم، توش غذای ملل یاد مِده، مخوام امشب چایلیز فود براتان درست کنُم!» گفتُم: «اِنا حالا خوب رفت! تو اول برو تلفظ اینا ره یاد بیگیر، بعدشم هروقت آمدم خانه خودتان ای کارته بکن، نه که با جیب و یخچال مو بخی تمرین آشپزی بکنی!» گفت: «اصلا هول به دلت راه نده، از اشکنه آرزون‌تر درمیه!»

قبول کردُم و بدون ای که به کاملیا خانم بگِم شروع کردم. آستینا شه داد بالا گفت: «کو همو و گتانه بده» گفتُم: «جان؟ و گتان چیه باز؟!» گفت: «وُگ! همو ماهیتابه ته گرد!» گفتُم: «یره مسخره‌بازی درنیار، بیا تو همی قابلمه درست کن برم بخورِم، دیر وقته!» همچی به‌زور و با اکراه قبول کرد که انگار از سامان گلریز خواسته بودُم بی‌دست غذا بپزه! خلاصه شروع کرد... «بادمجون ره بده... کِدو نِدرن؟ بری چی نمک‌تان دریایی نیست؟ روغن بدون ترانس مخوام... کفگیر نچسب ره بیار... پاپریکاتان کجایه؟ سس سویا نِدرن؟ مِری بیبی اسفناج برام بخری؟ کلم بروکلی هم که نِدرن...» یعنی کاری کرد که بیزار رفتُم. دو ساعت طول کیشید تا آخرش یَک خوراک وَلهَم‌شور درست کرد که از نظر ما همو یتیمچه بود که فاتحه‌شه خوانده بودن! عوضش به خانما خوش گذشت، تمام ای مدت حرف مِزدن و ما ره فراموش کرده بودن کلا. رجیم هم داشتن و لب به او عجیب‌الخلقه نزدن و همشه خودمان دوتا زور چپون خوردم! ایم از ای.

## مسابقه این کیه؟

### هر کی پاسخ بده دستش درد نکنه!

سلام. این هفته با یک چهره موسیقی که این روزها بیشتر در تلویزیون دیده میشه در خدمت‌تون هستیم. بیشتر از این راهنمایی نمی‌کنیم، دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. به امید خدا جواب رو هفته بعد همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو هم به عنوان جایزه پنج‌شنبه هفته بعد چاپ می‌کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید خانم سحر شفیعی برنده مسابقه قبل هستن که دوباره بهشون تبریک میگیم.

## ما و شما

**راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶**

*تصویر تا حالا دقت کردین درباره فیلم دیدن و مطلب چک های برگشتی خیلی خوب بودن، دمتون گرم، حسابی خندیدم! **تقوایی**

* چه زیبا پاسخ داد نجاری که ازش پرسیدند سخت‌ترین کار دنیا چیست و گفت بیکاری!

*آرزو جان، دختر عزیزمان، تولدت مبارک. ان شاءا... سال های سال در پرتو لطف خدا سالم و صالح زندگی کنی.

**بابایی، مامانی، پدر و مادرت**

*ممنون از زندگی سلام که درباره کلیسای نوتردام نکات جالبی نوشت. همین به روز بودن و آگاهی دادن شما را دوست داریم. موفق باشید.